

فصل

کلیاتی در مورد جامعه‌شناسی هنر



❖ اهداف آموزشی

- ❖ علم جامعه‌شناسی
- ❖ موضوع جامعه‌شناسی هنر و شاخه‌های آن
- ❖ دیدگاه بزرگان علم جامعه‌شناسی درباره هنر
- ❖ شکل‌گیری جامعه‌شناسی هنر و روند تحولات آن
- ❖ سیر هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی
- ❖ هنر و انواع آن
- ❖ هنر و بازنمایی از جامعه
- ❖ آرمان‌جویی و واقع‌جویی در هنر و هنرمند

□ علم جامعه‌شناسی^۱

در تعریف علم جامعه‌شناسی باید گفت جامعه‌شناسی، مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها و نتایج و آثار رفتار اجتماعی^۲ آنها می‌باشد (کوئن، ۱۳۸۱: ۳۲). جامعه‌شناسی ممکن است به طور کلی به عنوان علم اجتماعی تعریف شود که به مطالعه انواع پدیده‌های زیر می‌پردازد:

- ❖ ساختار و کارکرد جامعه انسانی به عنوان یک سیستم؛
- ❖ ماهیت، پیچیدگی و مقولات رفتار اجتماعی بشر؛
- ❖ بنیان‌های زندگی اجتماعی بشر؛
- ❖ کنش و واکنش‌های ابنای بشر با محیط اطرافش؛
- ❖ گسترش کنش‌های اجتماعی برای پیشرفت بشر؛
- ❖ چگونگی تأثیرگذاری جهان اجتماعی بر انسان و ... (زندگی - الله‌بخش، ۱۳۹۳: ۳۶).

□ قلمرو جامعه‌شناسی

برای شناخت بهتر هدف‌های یک علم تعیین محدوده و قلمرو آن ضروری است، هر چند نمی‌توان یک محدوده قطعی برای علم تعیین کرد اما مشخص کردن محدوده نسبی آن خصوصاً در حیطه موضوع مورد مطالعه، مکان و زمان آن، درک بهتر و دستیابی سریع‌تر محقق به اهدافش کمک خواهد کرد. برخی از مهمترین زمینه‌ها عبارتند از:

1. Sociology Science
2. Social Behaviour



- جامعه انسانی و نیازهای آن.
 - روابط اجتماعی، کنش‌های متقابل، شخصیت فرد (جامعه‌پذیری).
 - حرکات و دگرگونی‌های جمعیت در رابطه با علل اجتماعی.
 - قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، تحولات اجتماعی (تحرک اجتماعی).
 - گروه‌های اجتماعی و انواع آنها.
 - آداب و رسوم و عادات جمعی.
 - آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و کنترل اجتماعی.
 - کوچ‌نشینی، روستانشینی و شهرنشینی.
 - ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی.
 - انواع گوناگون نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده، آموزش و پرورش، سیاست و ...
 - الگوهای توسعه‌یافتگی جوامع.
 - پیش‌بینی و برنامه‌ریزی اجتماعی.
 - روابط و مناسبات بین‌المللی و ...
- هر چند ممکن است این پدیده‌ها موضوع سایر علوم انسانی نیز قرار گیرند، اما نگاه جامعه‌شناختی به این پدیده‌ها، به دنبال شناسایی و تعیین علل و آثار اجتماعی آنها می‌باشد (همان: ۳۷).

□ هدف‌ها و کارکردهای سه‌گانه جامعه‌شناسی

- ✧ گروهی از جامعه‌شناسان، نخستین کارکرد جامعه‌شناسی را کارکرد آگاهی‌دهنده آن می‌دانند و بر این باورند که کار اصلی این علم، گردآوری داده‌ها و تحلیل ضمنی و آشکار آنهاست، به هدف آن که بتوانند زمینه تصمیم‌گیری‌های مختلفی را فراهم آورند.
- ✧ گروهی دیگر از جامعه‌شناسان، بیشتر کارکرد انتقادی برای جامعه‌شناسی قائل هستند و می‌گویند هدف اصلی جامعه‌شناسی، کشف و شناخت نقص‌ها و نارسایی‌های اجتماعی واقعی است و باید راه‌هایی را برای رفع و اصلاح آنها طرح و تدبیر کنند.



✧ گروه دیگر، ارائه توضیح علمی و پاسخ برای چرایی پدیده‌های اجتماعی را کارکرد جامعه‌شناسی می‌دانند. در چنین مواردی تعلقات جامعه‌شناسان اساساً دارای ماهیت شناختی است.

البته این نکته قابل ذکر است که این سه کارکرد می‌توانند برای حصول هدف‌های مشخصی با یکدیگر ترکیب شوند (رامین، ۱۳۸۷: ۱۳).

□ رشته‌های تخصصی علم جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی را به شاخه‌های فرعی و زمینه‌های تخصصی تقسیم‌بندی می‌کنند که در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود:

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش^۱، جامعه‌شناسی دینی^۲، جامعه‌شناسی سیاسی^۳، جامعه‌شناسی فرهنگ^۴، جامعه‌شناسی پزشکی^۵، جامعه‌شناسی خانواده^۶، جامعه‌شناسی شهری^۷، جامعه‌شناسی روستایی^۸ و ... (کوئن، ۱۳۸۱: ۴۶).

موضوع این کتاب که یکی از این حوزه‌ها را در بر می‌گیرد با عنوان جامعه‌شناسی هنر^۹ می‌باشد.

□ جامعه‌شناسی هنر

در تعریف جامعه‌شناسی هنر که یکی از شاخه‌های علم جامعه‌شناسی می‌باشد می‌توان گفت ارتباطش با هنر، همانند ارتباط با سایر حوزه‌های معرفت چون علم، مذهب و اخلاق است به این ترتیب که هنر را مطالعه می‌کند و در جستجوی تأثیرات اجتماعی بر آن است. درک ویژگی‌های جامعه و نقش آن در پیدایش سبک‌ها و موضوع‌های هنر در هر دوره، شناخت

1. Educational Sociology
2. Religious Sociology
3. Political Sociology
4. Culture Sociology
5. Medical Sociology
6. Sociology of Family
7. Urban Sociology
8. Rural Sociology
9. Sociology of Art



عوامل و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن و چگونگی تأثیرگذاری آنها بر هنر، روند شکل‌گیری و حرکت هنر در جامعه و بالاخره کشف و یافتن ردپای عوامل اجتماعی در هنر و رسیدن به شناخت بهتری از جامعه معاصر آن، ماهیتی جامعه‌شناختی دارد. البته تأثیرات هنر بر جامعه نیز قسمتی از جامعه‌شناسی هنر است. در گذشته با توجه بیشتر به این بخش محدود، زمینه اصلی جامعه‌شناسی هنر، یعنی اهمیت تأثیر عوامل اجتماعی بر هنر، کمتر توجه شده است. مطالعه هنرمندان و نقش عوامل اجتماعی در هنرمند شدن آنها، بررسی مخاطبان هنر و نقش آنها در شکل‌گیری و توسعه انواع هنرها، مطالعه آثار هنری و تبیین چگونگی تأثیرپذیری آنها از جامعه و بازنمایی جامعه توسط آنها و بررسی نهادهای اجتماعی مربوط به هنر چون نظام‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و سازمان‌های تنظیم‌کننده ارتباط هنرمندان حوزه‌های مختلف با یکدیگر، موضوعاتی است که در حوزه جامعه‌شناسی هنر قابل مطالعه و تبیین است (راوودراد، ۱۳۹۰: ۱).

این نکته قابل ذکر است که تحلیل‌های جامعه‌شناختی از هنر نشان‌دهنده بعد اجتماعی آن است و جامعه‌شناس بررسی ابعاد دیگر هنر را به حوزه‌های دیگر معرفت واگذار می‌کند (همان: ۱۷۶).

□ جامعه‌شناسی هنرهای خاص

سطح دیگر تحلیل‌های جامعه‌شناختی معطوف به تبیین و توضیح هنری خاص است. در این سطح، هنر به مثابه یک امر خاص مانند تئاتر، سینما، نقاشی، موسیقی و ادبیات مورد بحث قرار می‌گیرد. از این رو در اینجا با شاخه‌های معینی از هنر سر و کار داریم و درباره هنری خاص در زمان و مکانی معین سؤال می‌کنیم. در نتیجه در این سطح تحلیل، سؤالات ما تجربی و محدودتر بوده و از لحاظ مفهومی و روشی جامعه‌شناسانه‌تر می‌باشند. در این سطح، شاخه‌های بسیار متنوعی از جامعه‌شناسی هنر مانند جامعه‌شناسی نقاشی، مجسمه‌سازی، خوشنویسی، هنرهای دستی، موسیقی، سینما، فیلم و دیگر شاخه‌های هنر وجود دارد. برای فهم بهتر جامعه‌شناسی سینما را توضیح می‌دهیم:

جامعه‌شناسی سینما، سینما را به عنوان یک نهاد فرهنگی، اجتماعی، مؤسسه ترویج و عرضه‌کننده هنر مورد بررسی قرار می‌دهد. در بررسی سینما مسأله اقتصاد هنر، مدیریت و سیاست‌گذاری فرهنگی، روابط قدرت در شکل‌گیری سازمان‌های سینمایی، تحولات تاریخی و بستر اجتماعی پیدایش و تحول نهاد سینما، نسبت میان نهاد سینما و نهادهای دیگر فرهنگی و هنری، نقش تحولات فناوری در سینما، سینما و نظام‌های کلان اجتماعی و اقتصادی مانند سرمایه‌داری، سوسیالیسم و غیره از جمله محورهای مهم جامعه‌شناسی سینما است (فاضلی، ۱۳۹۱: ۵۰).

□ جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی هنر

جامعه‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی به مطالعه علمی و روشمند پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد؛ یعنی جنبه‌هایی از زندگی انسان را که از عضویت او در جامعه ناشی می‌شود، بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی به کمک روش‌های علمی خاص؛ نهادها، روابط و رفتارهای اجتماعی انسان را از نظر ساخت (کارکرد) و دگرگونی، بررسی، و تجزیه و تحلیل، مقایسه و طبقه‌بندی می‌کند و با نگرشی ویژه به علل اجتماعی، در جستجوی قوانین حاکم به حیات جامعه از دیدگاه‌های گوناگون است. این تعریف از جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که از نظر جامعه‌شناسی، هنر نیز مانند خانواده، حکومت، آموزش و پرورش و ... یک نهاد اجتماعی است. هنر نیز ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد. بنابراین بر اساس تعریفی که از جامعه‌شناسی ارائه شد می‌توان جامعه‌شناسی هنر را این گونه تعریف کرد: جامعه‌شناسی هنر شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که زمینه، ساخت، کارکرد و ابعاد اجتماعی هنر و رابطه میان جامعه و هنر را بررسی می‌کند. بر اساس این تعریف سؤال‌هایی پیرامون جامعه‌شناسی هنر به وجود می‌آید. از جمله:

- ⑤ چگونه هنر بر ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، ساخت‌های طبقاتی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، آموزش و پرورش، شیوه‌های زندگی و به طور کلی شیوه‌های نگرش بر جهان، مؤثر واقع می‌شود؟



⊙ به همین ترتیب، چگونه تمام عوامل مذکور و جامعه بر شکل‌گیری، رشد و توسعه هنر اثر دارد؟

⊙ آثار یا محصولات هنری تا چه حد به وسیله جامعه شکل می‌گیرد، تولید می‌شود و اشاعه می‌یابد و بر عکس چگونه آثار هنری بر شکل‌گیری، توسعه و تحول جوامع اثر می‌گذارد؟

⊙ رابطه میان واقعیت و زیبایی در شکل‌گیری آثار هنری چگونه است؟

جامعه‌شناسی هنر که در پی تبیین ابعاد مکانی و زمانی هنر است، بر خلاف رویکرد سنتی که صرفاً به ارزش‌ها و یا عناصر زیبایی‌شناختی آثار هنری تأکید دارد، در پی نشان دادن زمینه‌ها و مسائلی است که صاحب‌نظران و محققان این شاخه علمی تاکنون به آن توجه نکرده‌اند. برخی از این مسائل عبارتند از: ساخت اجتماعی و خلاقیت هنری، همسانی ایدئولوژی و هنر، طبقه اجتماعی هنرمند، آگاهی جمعی در هنر، هنر به منزله تولید اجتماعی، هنر به مثابه ارتباط اجتماعی، تکنیک و صنعت و تأثیر آنها بر هنر، سازمان‌های هنری و اشاعه هنر، اشتغال هنری و پرورش هنرمندان، هنر و بورژوازی، عوامل اقتصادی و پیوند آنها با هنر، استقلال زیبایی‌شناختی و سیاست فرهنگی، مداخله سیاسی در حوزه هنر، ابعاد زیبایی‌شناختی واقعیت، التزام و تعهد اجتماعی هنر، فلسفه اجتماعی هنر و تاریخ اجتماعی هنر (همان: ۲۱).

جامعه‌شناسی هنر یعنی ما چطور بینش جامعه‌شناسی را از طریق بینش‌ها، روش‌ها، ابزارها و سبک‌های هنری بیان کنیم. لوئیس کوزر^۱ از روی نمایشنامه‌ها، اشعار، رمان‌ها و آثار ادبی هنری اروپا و غرب مجموعه‌ای را انتخاب می‌کند و در هر اثرش یک مفهوم را که به طریق جامعه‌شناسی توصیف شده نشان می‌دهد؛ مفاهیمی چون فرهنگ^۲، تضاد^۳، طبقه^۴، تحرک اجتماعی^۵، نظم اجتماعی^۶ و کوزر می‌گوید ما از طریق هنر یک نوع تحلیل و تفسیر

1. Coser

2. Culture

3. Conflict

4. Class

5. Social Mobility

6. Social Order



اجتماعی را تولید می‌کنیم. هنر فقط تولید لذت و مجموعه نشانه‌ها نیست، بلکه یک نوع نشان دادن واقعیت است. ما بینش و نگرشی را درباره هستی عرضه می‌کنیم. برای مثال، کوزر نمایشنامه‌ای از شکسپیر را ارائه می‌کند وی در این نمایشنامه نشان می‌دهد که دنیا یک تئاتر است. این نمایشنامه شباهت بسیاری با نظریه اروین گافمن^۱ دارد. او نظریه‌ای دارد که می‌گوید زندگی یک نمایش است، پشت صحنه و روی صحنه دارد.

هر کاری اول، مقدمات پشت صحنه دارد. کارگردان زندگی ما هستیم. مفهوم نقش اجتماعی^۲ را جامعه‌شناسان توسعه و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. مثال دیگر، مفهوم فرهنگ می‌باشد، کوزر قطعه‌ای از رمان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و فرهنگ را به مثابه شیوه‌ای از زیستن در نظر می‌گیرد. همان طور که در یک بینش نسبت انسان با جامعه، کنش‌ها با جامعه، سیاست با جامعه بررسی می‌شود در هنر نیز همین کار می‌شود (همان: ۴۷).

می‌توان این گونه نتیجه گرفت که جامعه‌شناسی، شناخت علمی جامعه، مطالعه حیات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم بر زندگانی جامعه است، جامعه‌شناسی هنر نیز به عنوان شاخه‌ای از جامعه‌شناسی با استفاده از دستاوردهای دیگر دانش‌های اجتماعی، روابط متقابل هنر و مظاهر مختلف زندگی اجتماعی را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۵).

□ اصول بنیادین، ویژگی‌ها و محدودیت‌های جامعه‌شناسی هنر

□ اصول بنیادین جامعه‌شناسی هنر

از اصول بنیادین بررسی هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ❖ از روش‌های تحقیق علمی نباید منحرف شد؛ اما باید به این نکته توجه داشت که گرچه روش‌های علوم کنونی از لحاظ کلی یگانه هستند، هر رده از علوم شیوه‌هایی خاص دارند پس نباید روش تحقیق جامعه‌شناختی را عیناً از علوم دیگر دریافت کرد.

1. Ervin Gaffman

2. Social Role



❖ باید در پرتو علوم اجتماعی به بررسی هنر پرداخت اما باید به این نکته توجه داشت که انسان و جلوه‌های زندگی بسیار پیچیده‌اند و صرفاً با مقوله‌های یک علم یا حتی یک رده از علوم شناخته نمی‌شوند پس نباید خود را محدود کرد.

❖ باید طبقه اجتماعی را در زمینه تحول اجتماعی بنیاد و ملاک تحلیل خود شمارد؛ اما نباید از این نکته غافل شد که گرچه طبقه اجتماعی عامل قوام‌دهنده سایر عوامل اجتماعی است، عامل‌های دیگر نیز به نوبه خود در وضع طبقه اجتماعی مؤثر می‌باشند (فاضلی، ۱۳۹۱: ۲۰).

□ ویژگی‌های بینش جامعه‌شناسانه به هنر

۱- نگاه جامعه‌شناسانه به هنر، تلقی رازگونه از هنر را نمی‌پذیرد. به اعتقاد ژانت ولف^۱ رازآمیزی هنر، خود ایده یا برساخته‌ای اجتماعی است که متعلق به شرایط معین تاریخی بوده است. او استدلال می‌کند که مفهوم هنرمند به مثابه فرد آفرینشگری که به فعالیتی ویژه و فرا انسانی اشتغال دارد، زاده دوره رنسانس است. به عبارت دیگر فعالیت هنری به منزله کاری یگانه و متفاوت با محصولی بی همتا و متعالی، تصور غلطی است که در برخی تحولات تاریخی ریشه دارد و با تعمیمی نادرست، ویژگی ذاتی هنر دانسته شده است. بینش جامعه‌شناسانه، پدیده هنری را در بافت و بستر اجتماعی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه هنرها تولید می‌شوند. از این دیدگاه، هنرها برساخته‌های اجتماعی‌اند یعنی در شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معین تولید می‌شوند. از این رو هنرها بیش از آن که برآیند نبوغ یا بیان احساس راز انگیز باشند، پدیده‌های انسانی هستند و مثل پدیده‌های انسانی دیگر، ریشه در امور مادی و عینی دارند. جامعه‌شناسی تلاش می‌کند تا نشان دهد تولید هنری، فعالیتی جمعی یا گروهی است نه فردی.

۲- ویژگی دیگر این است که جامعه‌شناسان با وجود سلیقه‌ها و تجربیات شخصی به طور نسبی تلاش می‌کنند تا حد ممکن از هر گونه موضع‌گیری ارزش‌گذارانه، خواه مخفی و خواه صریح دوری نمایند. جامعه‌شناس نمی‌خواهد درباره اثر هنری مشخص، قضاوت هنری و

1. G.Wolff

زیبایی‌شناسانه یا اخلاقی نماید، بلکه تلاش می‌کند با روش علمی درباره «ابعاد اجتماعی» یک اثر قضاوت کند.

۳- ویژگی دیگر بینش جامعه‌شناسانه به هنرها، تکرر بینش‌ها در مطالعه و شناخت هنرها است. جامعه‌شناسان از نظر نگرش به جامعه و عوامل و فرایندهای اجتماعی با یکدیگر اتفاق نظر ندارند. وقتی جامعه‌شناسان درباره فرایندها، ابعاد و عوامل اجتماعی هنرها سخن می‌گویند، هر کدام دیدگاه متفاوت و خاصی درباره هنرها ارائه می‌کنند.

۴- جامعه‌شناسان به فرایند تکوین هنرها توجه می‌کنند. جامعه‌شناسی به جای هنرمند و اثر به فرایند تکوین آثار هنری می‌پردازد، به این معنا که آن ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که هنرها طی آن و در درون آن ساختارها خلق می‌شوند توجه می‌کنند.

۵- در بینش جامعه‌شناسانه، هنر باید «زمینه‌مند» شود و بر اساس شرایط زمان، مکان، ساختارهای اجتماعی، رابطه‌های کاری و استخدامی، آموزشی، حرفه‌ای، پاداش و دستمزد، بازار و مشتری و حمایت‌های گوناگون از هنرمندان مورد مطالعه قرار گیرد.

۶- تبیین کارکردهای اجتماعی^۱ هنر یکی دیگر از مهمترین ویژگی‌های نگرش جامعه‌شناختی به هنرها است (همان: ۲۷-۲۲).

□ محدودیت‌های جامعه‌شناسی هنر

در بیان محدودیت‌های جامعه‌شناسی هنر می‌توان گفت جامعه‌شناسی به رغم اهمیتی که دارد و کمک‌هایی که در فهم هنر می‌نماید در عین حال محدودیت‌هایی نیز در این نوع شناخت نهفته است. بیان محدودیت‌های جامعه‌شناسی در شناخت هنر به معنای انکار شناخت جامعه‌شناسانه هنر نیست، بلکه صرفاً آگاهی به مرزهای این دانش ایجاب می‌کند که بدانیم جامعه‌شناسی هنر تا کجا می‌تواند به فهم ما از هنریاری رساند.

۱- انسجام اثر هنری را نمی‌توان به وجه عقلانی به طور کامل توضیح داد. هر اثر هنری (اعم از سبک و محتوا) از لحاظ کلیت دارای یک انسجام است. به عنوان مثال، سبک شعر حافظ را با استفاده از شرایط اجتماعی، تحولات تاریخی، شرایط اقتصادی، جایگاه شعر و شاعران در نظام سیاسی تا حدودی می‌توان تبیین جامعه‌شناختی کرد، و این امر تنها بخشی از

1. Social Functions

کارکرد در جامعه‌شناسی به معنی وظیفه، نقش و اثر می‌باشد.



ویژگی‌های اثر حافظ را تعمیم می‌دهد، زیرا تمامیت شعر حافظ را به صورت عقلانی نمی‌توان توضیح داد. به عبارتی جامعه‌شناسی به بررسی و شناخت واقعیت اجتماعی و بنیانش بر واقعیت اجتماعی می‌پردازد و جامعه استوار است اما در مقابل هنر به تخیل، عنصر خیال و احساس ما بر می‌گردد.

۲- همبستگی متقارن و کامل میان اثر هنری و جامعه آن وجود ندارد. چون روح واحدی بر جامعه حاکم نیست تا بتوان یک اثر هنری را به یک روح واحد ارجاع داد. ثانیاً اثر هنری می‌تواند علت‌های متعددی داشته باشد که از پاره‌ای جهات، اجتماعی است ولی در عین حال می‌تواند دارای علت‌های متضاد و متعدد روان‌شناختی، فیزیولوژیک، طبیعی و غیره نیز باشد.

۳- ما در هنر با بازنمایی^۱ سر و کار داریم. هنر وجوه نمایشی و بیانی احساس و ادراکمان از خود و پیوندهایمان با جهان هستی است، بنابراین هنر، ماهیتاً امر بازنمایانه و نمادین^۲ است. از این نظر نمی‌توان این وجوه بازنمایانه و نمایشی را در قالب گزاره‌ها، فرمول و زبانی گنجانده که علم در صدد انجام آن است. زبان علم متمایز از زبان هنر است. اگر چه خود علم نیز یک نوع بازنمایی است ولی زبان علم برای بازنمایی یک زبان عقلانی شده، سنجش‌پذیر و بسیار عینیت یافته است.

۴- علوم اجتماعی به دنبال تبیین گزاره‌های نسبتاً تعمیم‌پذیر است در حالی که هنر عرصه تحقق فردیت، خاص‌گرایی و نوآوری‌های ویژه است (همان: ۵۵-۵۳).

□ شاخه‌های مختلف بررسی هنر از دید جامعه‌شناسی

□ بررسی هنر به شیوه توصیفی

بررسی هنر به شیوه توصیفی خود به چهار دسته تقسیم می‌شود:

■ بررسی صوری هنر

به عقیده ماکس وبر^۳ در بررسی صوری هنر مسائلی چون تحلیل روابطی که به شیوه تجربی میان گرایش‌های گوناگون یک هنر، هنرها یا سبک‌های هنری قابل اثبات‌اند و فهمیدن دلایل

1. Representation

2. Symbolic

3. Max Weber



و نتایج و راه حل‌های فنی که سبک‌های گوناگون هنری برای برخی مشکلات ساختمانی خود پیدا کرده‌اند، از وظایف جامعه‌شناسی هنر است. از دیدگاه او، جامعه‌شناسی هنر نباید در صدد صدور احکام ارزشی برآید، بلکه او کارش را از این واقعیت که آثار هنری وجود دارند آغاز می‌کند.

■ بررسی هنرمندان به عنوان یک گروه اجتماعی^۱

چگونگی رابطه آنها با هم و بستگی اعضای گروه‌های هنری درون و بیرون حرفه، رابطه هنرمندان یک بخش با بخش‌های مربوط دیگر مانند رابطه بازیگران با نویسندگان، طراحان لباس و کارگردانان، شدت بستگی هنرمندان با رسوم مختلف، طبقات اجتماعی گوناگون و سلسله مراتب پایگاه‌های گروهی درون هر طبقه.

■ مطالعه مخاطبان هنر

درجات مختلف تجانس و ارتباط نسبی مخاطبان و اهمیت قابلیت تغییر شکل یافتن آنها به گروه‌های منظم اجتماعی.

■ بررسی کارکرد هنرها در شرایط مختلف تاریخی - جغرافیایی جوامع مختلف

نتیجه‌گیری: به طور خلاصه هر گونه مطالعه‌ای را که بدون در نظر گرفتن چارچوب اجتماعی و تأثیر آن بر هنر صورت گیرد، می‌توان مطالعه هنر به شیوه توصیفی نامید. این بررسی از آنجا آغاز می‌شود که هنر وجود این نوع مطالعه روابط علی را مد نظر قرار نمی‌دهد و نمی‌تواند تمامی پرسش‌های جامعه‌شناسی هنر و بویژه پرسش اصلی آن یعنی علیت اجتماعی هنرها را پاسخ گوید.

□ بررسی هنر به شیوه علی

در بررسی علی هنر از این که هنرها وجود دارند شروع نمی‌شود بلکه از ابتدا پرسیده می‌شود هنرها چرا و چگونه به وجود آمده‌اند؟ این سؤال دو جنبه تاریخی و جامعه‌شناختی دارد. اگر از جنبه تاریخی به آن نگاه شود، در پاسخ به خاستگاه اجتماعی هنر و اگر از جنبه جامعه‌شناختی به آن نگاه شود به علیت اجتماعی به طور خاص پاسخ داده می‌شود.



شایان ذکر است که مطالعه توصیفی که توضیح آن داده شد به عنوان ماده خام برای مطالعه علی استفاده می‌شود و محقق با برقرار کردن روابط علی بین پدیده‌های هنری و شرایط اجتماعی موجود و شرایط اقتصادی - اجتماعی خود هنرمند به بررسی می‌پردازد. همان طور که مطرح شد پاسخ به چرایی و چگونگی پیدایش هنرها دو جنبه تاریخی و جامعه‌شناختی دارد که دو روش را در جامعه‌شناسی علی یا تبیینی هنر به وجود می‌آورد؛ مطالعه منشأ اجتماعی هنرها و بررسی علیت اجتماعی هنرها که به طور مفصل در ادامه، توضیحات آن داده می‌شود.

■ نظریه منشأ هنرها (دید تاریخی)

نظریه منشأ چیزها با بینش تکامل‌گرا و تاریخ‌گرا مرتبط است که از هربرت اسپنسر^۱ تا آگوست کنت^۲ و امیل دورکیم^۳ و امروزی‌ها ادامه دارد. آنها معتقدند که تحول و پیشرفت مداومی از نخستین زمان‌ها تا به امروز بر زندگی بشر حاکم است. از این رو برای مطالعه هر پدیده به عقب بازگشته و اشکال ساده‌تر پدیده را در زندگی جوامع اولیه جستجو می‌کنند. نظر آنها در خصوص منشأ هنرها دو نگرش عمده را در بر می‌گیرد. **نگرش اول**، خاستگاه نخستین هنرها را زندگی واقعی و فعالیت هنری را جزء لاینفک حیات فردی و اجتماعی می‌داند. اولین بار «دالامبر»^۴ بود که بیان کرد، منشأ هنرها فعالیت روزمره انسان بوده است. به طور مثال فکر پدید آوردن یک «وزن» نه از نغمه پرندگان، بلکه از صدای پتک که آهنگی پی در پی و منظم به وسیله کارگران ایجاد می‌کند، نشأت گرفته است. مدافعان این نگرش معتقدند که فعالیت انسان‌های اولیه (همچون جستجوی غذا، گردآوری ابزار جنگ و جستجوی پناهگاه) به صورت فعالیت‌های جمعی بوده و از آنجا که وجود ضرباهنگ در هنگام کار، فعالیت اشتراکی را آسان‌تر می‌ساخته احتمالاً موسیقی و ترانه‌خوانی در جریان انجام فعالیت‌های اشتراکی پدید آمده است. مثلاً برای پارو زدن گروهی، برای انداختن درخت یا فرو کردن تیر چوبی به زمین، هماهنگی حرکات

1. Herbert Spencer
2. Agust Comte
3. Emil Durkheim
4. Dalamber

افرادی که در این فعالیت شرکت دارند ضروری است و موزیک یا ریتم نشان‌دهنده این هماهنگی است. این نظریه بیشتر به جنبه‌های تکنیکی موسیقی نظر دارد و جنبه‌های زیباشناختی آن را نادیده می‌گیرد.

نگرش دوم، هنر را برآمده از دین و جادو می‌داند. چنین به نظر می‌رسد که رقص ابتدایی‌ترین هنرهاست. گروهی که به این امر معتقدند، برآنند که رقص در آغاز، حرکتی جادویی بوده، بدین معنا که رقص ادا در آوردن و تقلیدی جادویی از توتم^۱ قبیله بوده است. فریزر^۲ از جمله متفکرانی بود که این موضوع را به دقت مورد بررسی قرار داد. به نظر او، در ذهن انسان ابتدایی دوگانگی نظر و عمل وجود نداشته و تقلید یک عمل، اجرای آن را سبب می‌شده است. مثلاً کشیدن تصویر حیوان شکار شده، وسیله تسلط به حیوان به شمار می‌رفته یا تقلید از حیوان با حرکات و رقص موجب تکثیر حیوان می‌شده است. فریزر و پیروان این نگرش، عمل جادویی را سر آغاز هنر و حتی مذهب می‌دانند. اما دورکیم ترجیح می‌دهد هنر را زائیده مذهب بداند؛ این نتیجه‌ای بود که از مطالعه توتم‌پرستی و بومیان استرالیا به دست آورد. به نظر او درام و هنرهای بصری از تزئینات دینی و مراسم و مناسک آئینی سرچشمه گرفته است. بر اساس این نظریه، «نقاشی» از نیاز به نمایاندن توتم قبیله بر روی خاک و چوب زاده شده، «رقص» از شور و هیجان مراسم و آئین‌های نیایش جمعی بر می‌خیزد، «شعر» از روایت‌هایی که نمایش توتمی را همراه می‌کند و تجلی‌های توتمی را بیان می‌کنند و «درام» از آئین سوگواری برای توتم حیوانی که قربانی می‌شده، پدید آمده است. اگر چه منشأ جادویی آئینی هنرها متفاوت‌اند اما نقطه اشتراک آنها تأکید به خاستگاه جمعی هنرهاست (مریدی، تقی‌زادگان، ۱۳۸۸: ۳).

■ نظریه علیت اجتماعی (دید جامعه‌شناختی)

مفهوم یک اثر هنری تنها به منشأ آن محدود نمی‌شود، بلکه این مفهوم در هدف و مقصود آن نیز هست، یعنی این که به چه چیزی می‌خواهد دست یابد، چه چیزی را بیان می‌کند و تا چه اندازه می‌خواهد بر دید و برداشت دیگران تأثیر بگذارد.

1. Totem یا توتمیسم نظام اعتقادی دینی است که به نوع خاصی حیوان یا گیاه ویژگی‌های مقدسی را نسبت می‌دهند.

2. Frazer



بررسی علّی هنرها به مطالعه تأثیر زندگی اجتماعی بر اشکال هنری می‌پردازد. اصل بنیادی این اندیشه آن است که نقاط انتسابی، آثار تمدن و فرهنگ را به ساختار اجتماعی مربوط می‌کند.

به نظر لوکاج^۱ جهان‌بینی هنرمند و نویسنده از اهمیت زیادی برخوردار است. او کار هنرمند را باز تولید ایدئولوژی و جهان‌بینی مسلط دوران می‌داند که این جهان‌بینی با شرایط عینی جامعه در ارتباط است. به این ترتیب، لوکاج محتوای اثر را که متأثر از جهان‌بینی هنرمند است، تعیین‌کننده شکل اثر می‌داند و در نهایت اشکال هنری را با شرایط اجتماعی مرتبط می‌کند. نظریه لوکاج در مورد هنر در واقع تعدیل شده نظریه مارکسیست‌ها در مورد نسبت زیربنا و روبنا است که در آن روبنا را شرایط فرهنگی جامعه و زیربنا را ساختار اجتماعی یا نظام تولید اقتصادی می‌دانستند. به اعتقاد آنها هنر نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و مانند دیگر امور روبنایی از شیوه تولید مسلط در هر عصری نشأت می‌گیرد.

□ رویکردهای جدید

رویکردهای جدید در جامعه‌شناسی هنر، کمتر به دسته‌بندی توصیفی و علّی یا تبیینی از موضوعات خود توجه دارد و این دسته‌بندی را مصنوعی و محدودکننده می‌داند. آنها از همه امکانات توصیفی و تبیینی نظریه‌های جامعه‌شناسی کمک می‌گیرند تا به زمینه‌یابی هنر در جامعه بپردازند و نهادهای هنر، حامیان هنر، تولیدکنندگان، مخاطبان، مصرف‌کنندگان، رسانه‌ها و توزیع‌کنندگان عرصه هنر را مورد مطالعه قرار دهند. توسعه روش‌های کمی در علوم انسانی نیز جامعه‌شناسان هنر را به روش‌های پیمایشی تجهیز کرده تا نه فقط با روش‌های تاریخی بلکه با تحقیقات میدانی نسبت هنر و جامعه را بررسی نمایند؛ شناخت جامعه هنرمندان، ارزیابی ذوق و سلیقه مخاطبان و طبقه‌بندی آنها بر اساس ویژگی‌های جامعه‌شناختی از مسائل جدید جامعه‌شناسی هنر است.

اما با وجود رویکردهای متنوع معاصر، هنوز هم جامعه‌شناسی هنر با فقدان یک تئوری منسجم مواجه است (همان: ۱۶).

1. Lukacs